

آب زیند راه را...

استقبال از بازگشت دانش‌آموزان به مدرسه بعد از کرونا



ابراهیم اصلامی
روان‌شناس تربیتی

بحث این قسمت هم انگیزشی است، اما سمت‌وسوی آن کرونایی است. قرار شده با در نظر گرفتن وضعیت احتمالی راه‌اندازی مدرسه‌ها بعد از ایام کرونا و موقعیت متفاوتی که معلمان و دانش‌آموزان در آن به سر می‌برند، نکات تربیتی لازم را به اولیا و مربیان یادآوری کنیم.

تمرین ۱

به این سؤال‌ها پاسخ دهید:

● تصور می‌کنید برای بازگشایی مدرسه‌ها مهم‌ترین تمهیدات و مقدمات چه مواردی هستند؟
● در بازگشت دانش‌آموزان به مدرسه، چه حضوری باشد و چه غیر حضوری، برای کدام موضوع باید تدارک بیشتری دید: ارزیابی پیش‌نیازهای درسی؛ جبران کمبودهای آموزشی؛ انگیزش یا...؟

بدون انگیزش هرگز!

در سازهایی برای حل مشکل قطعی برق، قرار شد در اتاق‌ها و فضاهای دیگر لامپ اضطراری نصب شود. با صرف کلی هزینه، سیم‌کشی و نصب لامپ‌ها انجام شد. بالاخره روزی برق‌ها رفت و خواستند لامپ‌های اضطراری را روشن کنند. تازه یادشان آمد چیزی را فراموش کرده‌اند؛ موتور برق اضطراری نخریده‌اند! بنابراین هر وقت برق می‌رفت، لامپ اضطراری بود، اما برق اضطراری نبود!

در روان‌شناسی «انگیزش» را موتور محرک هر فعالیتی می‌دانند. گاهی فعالیت‌هایی که در مدرسه انجام می‌دهیم شبیه همین مثال بالاست؛ همه‌ی نکات لازم پیش‌بینی و تدارک دیده می‌شوند، اما محور و موتور اصلی مورد غفلت قرار

می‌گیرد، یعنی «انگیزش».

در جریان همه‌گیری کرونا، شاید از منظر فرهنگی و تربیتی، هیچ لطمه‌ای بزرگ‌تر از اخلال در روابط انسانی نبود. کرونا باعث شد انسان‌ها از هم فاصله بگیرند و روابطشان را محدود کنند. در فرایند تربیت، ایجاد و تقویت روابط انسانی و اجتماعی از اهداف عمده به‌شمار می‌آید و اصولاً یکی از اقدامات اساسی مدرسه باید این باشد که نخست زمینه را برای شکل‌گیری روابط مؤثر تسهیل کند و سپس این ارتباطات را در جهت جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی قرار دهد. به نظر می‌رسد بعد از کرونا اتفاق‌های خوبی برای روابط اجتماعی بیفتد، از جمله اینکه افراد قدر همدیگر را بیشتر بدانند، از با هم بودن استقبال کنند و برای ارتباط مؤثر بهای بیشتری قائل شوند.

به این سؤال دوباره بپندشید. اگر روزی کرونا رفت و خواستیم خودمان را برای دوره‌ی بعد از کرونا آماده کنیم، چه کارهایی در مدرسه ضرورت خواهند داشت؟ باید به درس و مدرسه و انجام تمرین‌ها و تکالیف اولویت بدهیم، برای جبران کمبودها و پیش‌نیازهای درسی تدارک ببینیم، برای روش‌های آموزش در شرایط حضوری، غیر حضوری یا ترکیبی برنامه‌ریزی کنیم، به فکر تأمین امکانات احتمالی باشیم یا...؟ نکند سیم‌کشی و نصب لامپ‌ها انجام شود، اما از موتور برق خبری نباشد! شاید همه‌ی اقدامات گفته‌شده لازم باشند، اما بدون انگیزش هرگز! به نظر می‌رسد اولویت اساسی مدرسه در دوران بعد از کرونا باید انگیزش باشد، هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان و والدین.

تمرین ۲

● خودتان را جای دانش‌آموزان بگذارید. تصور می‌کنید آن‌ها بعد از بازگشت دوباره به مدرسه انتظار دارند با چه رویدادهای و وضعیت‌هایی مواجه شوند؟

● آیا اولویت اصلی دانش‌آموزان درس و جبران ضعف‌های درسی خواهد بود؟ یک نگرانی بعد از کرونا این است که بعضی از مدرسه‌ها با دلیل‌ها و توجیهاتی به تفکر پادگانی روی آورند و در مدرسه وضعیتی ایجاد کنند که بچه‌ها زیر بار فشار درس و مشق بروند. این تفکر می‌تواند بسیار خطرناک و ضدتربیتی باشد. اگر عوامل مدرسه در تشخیص و تعیین اولویت‌ها اشتباه کنند و به‌جای انگیزش، برای درس و مشق میدان باز کنند، چه‌بسا به دانش‌آموزان شوک وارد شود و آنان برای پذیرش این وضعیت آمادگی نداشته باشند.

به مدیران و معلمان توصیه می‌شود روزها، هفته‌ها و حتی یکی دو ماه اول را با حوصله و مدارا بگذرانید، اما با برنامه‌ی مشخص و حساب‌شده‌ی انگیزشی. هدف این نیست که بچه‌ها کاری نکنند یا بدون برنامه‌ی مشخص فقط بیایند و بروند. از همان آغاز برای ساعت‌ها و روزها برنامه‌ی تدارک ببینید که مبنای آن انگیزش باشد، ضمن آنکه بچه‌ها به‌مرور با درس و مشق هم سازگار شوند. به این چند نکته توجه کنید:

مدرسه را پادگان نکنید

نگاه پادگانی به مدرسه از دهه‌های دور همیشه کم‌وبیش طرفدارانی داشته است، کسانی که معتقدند برنامه‌های مدرسه باید جدی باشد و آموزش‌ها باید با نظمی محکم اجرا شوند. در چند دهه‌ی اخیر، قدرت این نوع نگرش در دوره‌ی ابتدایی کم شده است، ولی در دوره‌ی دبیرستان و به‌ویژه سال‌های نزدیک به کنکور همچنان مشتمل دارد. کم نیستند مدرسه‌هایی که اعتقاد دارند باید در یکی دو سال آخر به دانش‌آموزان سخت‌گرفت و خود آنان هم باید فشار این دوره را تحمل کنند تا بتوانند در کنکور نتیجه‌ی مطلوب بگیرند. دروغ چرا! واقعیت این است که چنین تفکری گاهی نتیجه هم می‌دهد و دانش‌آموزانی که زیر بار این فشار طاقت‌فرسا له نشده و دوام آورده‌اند، به موفقیت دلخواه می‌رسند.



● به بچه‌ها فرصت‌های بیشتری بدهید تا از باهم‌بودن لذت ببرند؛

● در ارائه‌ی محتوای درسی و تکالیف و امتحانات هماهنگی بیشتری بین معلمان ایجاد کنید؛

● روزها و هفته‌های اول را به ارزیابی پیش‌نیازها و ضعف‌ها اختصاص دهید. برای این کار فقط سراغ آزمون‌ها نروید و به نوآوری‌ها و ابزارهای دیگر هم بیندیشید؛

● در برنامه‌ی کلاس‌ها خیلی سخت‌گیر نباشید. اگر لازم بود ساعت کلاسی را اندکی کاهش دهید یا از معلم‌ها بخواهید در صورت لزوم بین کلاس به بچه‌ها کمی امکان استراحت و تفریح بدهند؛

● از مشارکت بچه‌ها در همه‌ی فعالیت‌های مدرسه بیشتر استفاده کنید، حتی در برنامه‌های آموزشی به دانش‌آموزان فرصت ابراز نظر و همکاری بدهید. از ظرفیت‌های بچه‌ها در اجرای برنامه‌های متنوع و شاد کردن فضا بهره ببرید؛

● در مواردی که لازم است، در قوانین و مقررات انضباطی مدرسه تجدیدنظر و این مقررات را به‌روز کنید. عادت‌های دانش‌آموزان در این مدت تغییر کرده‌اند و نمی‌توان انتظار داشت آن‌ها همه‌ی قواعد پیشین را رعایت کنند.

● روی آماده‌سازی و توجیه معلم‌ها حساب بیشتری باز کنید. فضای بعد از کرونا به محیط عاطفی مثبت نیاز دارد و در این مسیر معلم‌ها باید همراهان خوبی باشند.

تأکید دوباره لازم است که منظور از مدارا و ملایمت، بی‌برنامگی نیست. باید برنامه داشته باشید، اما برنامه‌های نرم، متعادل، ملایم و بالنعطف. فراموش نکنید اولویت این ایام باید انگیزش، تقویت روابط مؤثر، صمیمیت و سرزندگی روحی باشد.

معلم‌های باحالی باشید!

بالطبع معلم‌ها هم با حال و هوای سابق به مدرسه باز نمی‌گردند. به تیم مدیریتی مدرسه توصیه می‌شود برای معلم‌ها هم فکرهای جدیدی بکنند، هم از نظر سرحالی انگیزشی خودشان و هم از نظر آماده‌سازی و توجیه آنان برای مواجهه با دانش‌آموزان. روی مسائل عاطفی دقت بیشتری بکنید و بکوشید معلم‌ها احساس کنند برای شادابی روحیه‌ی آنان اهمیت قائل بوده‌اید.

از معلم‌ها هم انتظار می‌رود با در نظر داشتن نکاتی که گفته شد، ضمن همکاری بیشتر با مجموعه‌ی مدیریتی مدرسه، اولویت را بر نکات انگیزشی و روان‌شناختی دانش‌آموزان قرار دهند. معلم‌هایی که کمی جدی‌تر هستند، یا معلم‌هایی که به‌طور کلی به سخت‌گیری اعتقاد دارند، ممکن است در دوره‌ی بعد از کرونا برای خودشان و دانش‌آموزان ایجاد مشکل کنند.

یک نکته‌ی دیگر، آمادگی برای رویدادهای عاطفی ویژه است. دیدار دوباره‌ی بچه‌ها با هم‌دیگر ممکن است تا چند روز یا چند هفته، جو هیجانی شدیدی در کلاس یا مدرسه ایجاد کند. از طرفی احتمال دارد معلم‌ها یا دانش‌آموزانی در ایام کرونا عزیزانی را از دست داده باشند و در مدرسه نتوانند عواطف خود را کنترل کنند. اینجاست که عقلانیت باید وارد ماجرا شود.

صحبت‌های منطقی کوتاه می‌تواند مؤثر باشد. بروز عواطف اشکالی ندارد، اما باید کسی توانایی کنترل موقعیت را داشته باشد و به اصطلاح بتواند وضعیت را جمع کند.

والدین را تحویل بگیرید

نوع روابط مدرسه-خانه در ایام کرونا دچار دگرگونی‌هایی شد. نباید انتظار داشت این شرایط بلافاصله به وضعیت قبلی برگردد. در دوره‌ی بعد از کرونا ضرورت بسیار بیشتری برای تعامل مدرسه با والدین وجود دارد. تیم مدیریتی مدرسه باید برنامه‌های آموزش «خانواده‌ی فعال» را به‌صورت حساب‌شده و با محوریت مهارت‌های ارتباطی داشته باشد؛ ارتباط والدین با مدرسه، معلم، فرزندان و با خود والدین. ضمن توجه به نکات عاطفی والدین، نباید زیاد هم اجازه داد که جو خیلی احساسی شود. شاید گاهی ایجاد تعادل بین عواطف و عقلانیت دشوار باشد. با توجه به حضور فعال آموزشی والدین در دوره‌ی کرونا، آن‌ها در دوره‌ی بعد از کرونا برای توجیه درباره‌ی نقششان نیاز به راهنمایی دارند. یک نکته در این باره تفاوت دیدگاه‌هاست. عده‌ای اعتقاد دارند که والدین نقش معلم را ایفا کردند و کم‌وبیش این نقش باید پابرجا بماند. گروهی هم معتقدند که والدین باید کنار بکشند و همه‌چیز را به مدرسه و معلم واگذار کنند. مدرسه و معلم‌ها باید تکلیفشان در این باره معلوم و انتظارات از والدین مشخص شود.

دانش‌آموزان را فراری ندهیم

خلاصه‌ی حرف این است که انتظار می‌رود بعد از کرونا مهربان‌تر باشیم، هم‌دیگر را بهتر و بیشتر ببینیم، روی ارتباط مؤثر بیشتر کار کنیم و جاذبه‌مان را افزایش دهیم.

معلم گرامی!

در شرایط کرونا، موقعیت‌هایی در نظام آموزشی کشور پیش آمد که یادگیری گریزی را افزایش داد. کاری کنیم که بچه‌ها بعد از بازگشت دوباره به مدرسه، مدرسه‌ی جدید و دلپذیری را کشف کنند، شوق بیشتری برای دانستن داشته باشند و از یادگیری لذت بیشتری ببرند.